



دانشگاه باقرالعلوم

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

# سعادت در عقل و نقل

با نظر به آثار شیخ الرئیس (ره) و علامه طباطبایی (ره)

استاد راهنما:

حجت الاسلام دکتر محمد مهدی گرجیان

استاد مشاور:

حجت الاسلام دکتر محسن میری

نگارش و پژوهش:

مهرداد گودرزی انوجی

1388

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم

خداوند را شکریم که اشرف مخلوقات عالم، محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) را پیرویم و در زمره سربازان آخرین وصی اش مهدی فاطمه (علیها السلام) قرار

گرفته ایم. آنکند در پر تو نور هدایتان عزت و سعادت فانی و باقی میسر است.

و اینک تحفه ای ناقابل از بنده ای ناچیز تقدیم بر آنان که بهترینند و کسانی همچون شیخ الرئیس (ره) و علامه طباطبائی (ره) که در کتب انسان سازی شان شاکردانی

لابت بوده و نام نکویشان بر تارک علم و معرفت می درخشد.

## تشکر و تقدیر

برخود لازم دانسته، از زحمات فراوان و رهنمودهای ارزنده اساتیدان کرامت‌دور حجّه الاسلام دکتر کر جیان و حجّه الاسلام دکتر میری و همچنین تمامی کسانی که بنده را در

مکاشف و تدوین این رساله یاری نموده اند تشکر و قدر دانی نموده برای ایشان آرزوی توفیق روز افزون از درگاه خداوند متعال نمایم.

در پایان برای اساتید و مسئولین محترم دانشگاه باقر العلوم (علیه السلام) از درگاه حضرت حق سعادت و سربلندی دنیا و آخرت را خواستاری باشم.

## چکیده

انسان به طور فطری خواهان دستیابی به لذت و سعادت است. لکن هر شخص با توجه به شناختی که از خود و عالم یا عوالم پیرامونش دارد در مصداق خارجی به دنبال نوعی خاص از سعادت می رود. اما عقل سلیم و نقل معصوم تنها نوع خاصی از سعادت را حقیقی و لایق شان انسان دانسته و دیگر سعادت‌ها را مجازی و نالایق انسان می داند. در اینجا از حیث عقلی به فرموده های دو فیلسوف عقل نگر علامه سید محمد حسین طباطبائی (ره) و شیخ الرئیس بو علی سینا (ره) و از حیث نقلی به آیات الهی و روایات معصومین (علیهم السلام) نظری می افکنیم. شیخ با پذیرش سعادت بدن به واسطه تعدیل در قوای جسمانی سعادت حقیقی را مربوط به نفس و آنرا در این می داند که نفس ناطقه به جهانی عقلی تبدیل شود که در آن، صورت همه هستی و نظام معقول آن و خیری که به آن افاضه می شود، نقش بندد. درنتیجه بتواند چیزی را که حُسن و خیر مطلق و کمال حق است، مشاهده کند و با آن متحد شود. علامه نیز با پذیرش سعادت بدن - به سبب دوری از افراط و تفریط در قوای بدنی - کمال جوهر عاقل یعنی نفس را در آن می داند که با رهایی از عالم ماده و خیال به عالم عقلی نائل آمده در آن تعقل ذات و حق نخستین تا جایی که وصول به آن ممکن باشد با روشنی خاص خود تحقق یابد. پس در این هنگام به جمیع لذات و سعادت بدون هیچگونه اشتغال بعضی از بعض دست می یابد در واقع کمال حقیقی برای انسان، همان وصول او به کمال حقیقی خویشتن، از نظر ذاتی و عوارض ذاتی است یا وصول او به کمال نهایی خود، از نظر ذات و وصف و فعل که همان «فناى ذاتی» و «فناى وصفی» و «فناى فعلی» در حق سبحان است که از آن تعبیر به توحید ذاتی و اسمی و فعلی می شود [وَحَدَهُ، وَحَدَهُ، وَحَدَهُ] و این مقام عبارت است از اینکه انسان در اثر این شهود در می یابد که هیچ ذاتی و وصفی و فعلی، جز برای خداوند سبحان برای دیگری وجود ندارد.

و اما خداوند و مفسران کلام او (تعالی) یعنی ائمه معصومین (علیهم السلام) خوشبختی و سعادت بدن و نفس انسان را مورد توجه قرار داده خوشبختی بدن مادی را در رسیدن به بهجت و سرور فردی و اجتماعی البته به شرط حفظ شان و کمال روح که حقیقت انسان است می دانند و خوشبختی و سعادت نفس را در دخول انسان در بهشت ابدی و تنعم از نعمت‌های آن معرفی می نمایند جایی که الم و غمی در آن راه نداشته لذاً غیر قابل وصفی را در خود جمع کرده و رضوان الهی را جلوه گر می نماید.

بنابراینچه مذکور گردید: عقل و نقل گرچه خوشبختی مادی را فی الجمله می پذیرند و لکن کمال و سعادت حقیقی انسان را در رسیدن به بالاترین مراتب عقلانی و لقاء حق مطلق می دانند که در این دنیا به سبب ضعف عالم ماده در مرتبه ای نازلتر و در عالم آخرت در مرتبه ای والاتر است. (ناگفته پیداست که: با چنین وصفی که از سعادت حقیقی بیان گردید لذتها و سعادت‌های مادی گرایانه که تنها مربوط به بدن فانی محفوف به انواع آلام و غمها و زودگذرمی باشند مجازی بوده و در مقابل سعادت واقعی نفس ناطقه که جاودانه خالص و ابدی است بسیار پست و ناچیز است.)

واژگان کلیدی: لذت، بهجت، کمال، سعادت، شیخ الرئیس، علامه طباطبائی.

## فهرست مطالب

4	بخش اول: کلیات
5	فصل اول: طرح تفصیلی تحقیق
5	بیان مسأله:
5	تاریخچه پژوهش:
6	فرضیه‌های پژوهش:
6	اصول موضوعه:
6	مفاهیم و متغیرها:
7	سؤالات اصلی و فرعی پژوهش:
7	روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده‌ها:
8	فصل دوم: مفهوم شناسی
8	1- شرح حال اجمالی از شیخ الرئیس ابوعلی سینا
10	2- شرح حال اجمالی علامه سید محمد حسین طباطبائی «ره»
13	3. معنی و مفهوم واژه «سعادت» و «شقاوت»
18	4- معرفت و رابطه آن با «سعادت»
19	5- رابطه سعادت و جهان بینی
21	6- «سعادت» و حقیقت انسان

فهرست لب کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد (ب)

**Error! Bookmark not defined..... بخش دوم: سعادت از منظر بوعلی سینا «ره»**

**Error! Bookmark not defined..... فصل اول: مفهوم لذت از دیدگاه ابن سینا**

**Error! Bookmark not defined.....**شرایط حصول لذت

**Error! Bookmark not defined..... فصل دوم: مراتب لذت و انواع آن**

**Error! Bookmark not defined.....**1. عدم انحصار لذت در لذات حسی

**Error! Bookmark not defined.....**2. سعادت حقیقی؛ سعادت روحانی

**Error! Bookmark not defined.....**3. مراتب به جت و سعادت

**Error! Bookmark not defined.....**4. لذت عارف نسبت به طوئف دی‌گر

**Error! Bookmark not defined..... فصل سوم: میزان معرفت در کسب سعادت**

**Error! Bookmark not defined.....**شقاوت نفس

**Error! Bookmark not defined..... بخش سوم: سعادت از منظر علامه طباطبائی «ره»**

**Error! Bookmark not defined..... فصل اول: چیستی سعادت از دیدگاه علامه (ره)**

**Error! Bookmark not defined.....**کمال کمال (حقیقت کمال)؛

**Error! Bookmark not defined..... فصل دوم: مراتب لذت و انواع آن**

**Error! Bookmark not defined.....**1. عدم انحصار لذت در لذت مادی

**Error! Bookmark not defined.....**2. سعادت انسان

**Error! Bookmark not defined.....**3. نبوت عامه و سعادت

**Error! Bookmark not defined..... فصل سوم: مراتب کمال**

**Error!** طبقات انسان ها در انصراف از عالم ماده و توجه به حضرت حق:

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined..... فصل چهارم: «معاد»، سعادت و یا شقاوت**

**Error! Bookmark not defined.....**احوال نفوس ناقصه در سعادت یا شقاوت

**Error! Bookmark not defined..... بخش چهارم: سعادت از منظر آیات و روایات**

**Error! Bookmark not defined.....**مقدمه

**Error! Bookmark not defined..... فصل اول: سعادت انسان از منظر آیات الهی**

فهرست لب‌کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه باقر العلوم علیه السلام می باشد (ج)

**Error! Bookmark not defined.....** 1. شریعت و سعادت

**Error! Bookmark not defined.....** 3. سعادت؛ تشریف در بهشت

**Error! Bookmark not defined.....** 4. قوای ادراکی؛ درهای بهشت یا جهنم

**Error! Bookmark not** 5. اسباب و موانع فلاح و رستگاری از منظر قرآن کریم

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.....** فصل دوم: سعادت انسان از منظر روایات

**Error! Bookmark not defined.....** مقدمه

**Error! Bookmark not defined.....** 1. اسباب سعادت دنیوی در لسان روایات

**Error! Bookmark not defined.....** 2. اسباب سعادت اخروی در لسان روایات

**Error! Bookmark not defined.....** 3. اسباب و نشانه‌های شقاوت

**Error! Bookmark not defined.....** بخش پایانی: جمع بندی

**Error! Bookmark not defined.....** فهرست منابع



بخش اول:

# کلیات

## فصل اول: طرح تفصیلی تحقیق

### بیان مسأله:

در هر سفر چنانچه هدف و مقصود واقعی از خوی‌الی و وهمی آن مشخص و مبین گردد طبیعتاً زاد و توشه لازم آن نیز به مناسبت رسیدن به چنان هدفی فراهم می‌شود. انسان‌ها با توجه به گرایش فطری خود در میل به رسیدن لذت و سرور و بهجت و دوری از آلام و رنج‌ها، به جهت اختلاف در نوع نگرش به جهان هستی و علت خلقت هر کدام روش خاصی را برای دستیابی به این لذت و سعادت برمی‌گزینند. و از آنجا که نوع انسانی بیشتر با این دنیای فانی و محسوسات مادی در ارتباط است لذاست که با نظری تنگ نگر تمام لذت را در همین حیطه مادی‌اش تصور می‌کند.

ما در این رساله برآنیم تا با تشریح سعادت حقیقی و تمیزی آن از سعادت غیـ حقیقی و زودگذر به استعانت از عقل و نقل که دو بال پرواز برای رسیدن به حقیقتند، هدف از این سفر دنیوی را بازشناخته، کمال و لذت واقعی را دریابیم تا به بی‌راهه نرفته و در ورطه هلاکت نیفتیم و در ضمن روش زندگی خود را بر طبق آن تنظیم نماییم، و از آنجا که فیلسوفانی همچون شیخ الرئیس و علامه طباطبائی «ره» در حیطه عقلی مسأله بی‌انانی عظیم‌القدر و پر محتوا دارند لذا بحث عقلی خود را بیشتر در آثار این دو بزرگوار متمرکز نموده‌ایم. امید است خواننده محترم را در علم و عمل کمکی ناچیز کرده باشی‌م.

### تاریخچه پژوهش:

بحث از سعادت و بهجت و سرور از قبل از اسلام در محافل علمی مطرح بوده و در قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) مشهود است و بزرگانگی همچون شیخ-

الرئیس در اشارات و تنبیهات و نجات، ابوعلی مسکویه رازی در طهارة الأعراف، علامه طباطبائی (ره) در کتاب تفسیر المیزان و حتی فلاسفه غرب درباره آن مطالب ارزنده‌ای تقریر نموده‌اند لکن پژوهشی مبسوط تحت عنوان رساله پیش رو که بحث عقلی و نقلی آنرا در یکجا جمع آوری نموده باشد نیافتیم.

### فرضیه‌های پژوهش:

شناخت سعادت حقیقی در گرو نوع جهان بینی، معرفت شناسی و انسان شناسی است که در صورت تکیه بر عقل سلیم و نقل معصوم و نظر به راهها و راهنمای‌های موجود در آن دو می‌توان به این مهم دست یافت.

### اصول موضوعه:

- الف- وجود نفس و تغایر آن از بدن با استدلال برهانی ثابت است.
- ب- نفس (روح) مجرد بوده و تنها چند صباحی در جهت تدبیر بدن در این دنیا با بدن مادی همراه است.
- ج- خلود نفس ناطقه بعد از جدایی از بدن امری است مبرهن و عقلانی.
- د- روح همیشگی با بدن همراه است، در این دنیا با بدن مادی، در برزخ با بدن برزخی و در قیامت با بدن اخروی
- ه- انسان در رسیدن به سعادت یا شقاوت مختار است.
- و- ....

### مفاهیم و متغیرها:

عقل؛ چنانچه عقل سطحی نگر مورد توجه قرار گیرد، سعادت مربوطه هم مادی و محسوس تبیین می‌شود و چنانچه عقل عمق گرا و آن هم در مرتبه عالی‌هاش در نظر باشد سعادت فوق مادی و ابدی را می‌طلبد.

سعادت و لذت؛ محدود شدن در دنیای فانی طبیعتاً لذتی زودگذر و محسوس را

نتیجه می دهد و دیدگاهی فراتر از عالم ماده و مادیات و نظر به جهانی ابدی سعادت و لذتی زودگذر را ناچیز و غیر معقول می داند.

نقل؛ از آنجا که خداوند خالق انسان بوده و به تمام ابعاد وجودی وی آگاه است بنابراین تنها او می تواند برنامه ای در نهایت دقت و ظرافت برای خوشبختی و سعادت انسان تنظیم نماید. بنابراین کتاب و سنت منابعی موثق در جهت شناخت سعادت حقیقی به حساب می آیند.

### سؤالات اصلی و فرعی پژوهش:

- سعادت، بهجت و سرور حقیقی چیست و در حیطه عقل از نظر شیخ الرئیس و علامه طباطبای (ره) و همچنین نقل چگونه تبیین شده است؟
1. مقوله انسان شناسی و تأثیر آن بر تبیین سعادت چیست؟
  2. نوع نگرش به جهان هستی چگونه بر تفسیر سعادت اثر می گذارد؟
  3. ابن سینا و مبانی فلسفی او در برداشت از سعادت چیست و چگونه است؟
  4. علامه طباطبای (ره) و مبانی فلسفی او در برداشت از سعادت چگونه است؟
  5. ماهیت سعادت از دیدگاه شیخ الرئیس و علامه چیست؟
  6. در نظر علامه و شیخ عدم انحصار سعادت در لذات مادی چگونه تبیین می شود؟
  7. شقاوت حاصله از عدم دستیابی به سعادت چیست؟
  8. اقسام سعادت و نحوه دستیابی به آن از جایگاه نقل چگونه است؟
- واژگان کلیدی:** سعادت - عقل - لذت - بهجت - سرور - نقل - شیخ الرئیس (ره) - علامه طباطبای (ره).

### روش تجزیه و تحلیل اطلاعات و داده ها:

روش تجزیه و تحلیل به صورت مستدل و منطقی می باشد.

## فصل دوم: مفهوم شناسی

### 1- شرح حال اجمالی از شیخ الرئیس ابوعلی سینا

آنچه در اینجا از نظر خوانندگان می‌گذرد، شمه‌ای کوتاه و گذرا در شناخت اجمالی یکی از فلاسفه بزرگ اسلامی است که به جدّ توصیف شخصیت بزرگ وی بسیار دشوار است. لکن از آنجا که در بحث عقلی از جمله مناظر به آثار این فیلسوف بزرگ نظر شده است به طور خلاصه زندگانی پرخی‌ر و برکتش را به نگارش درمی‌آوری‌م.

حسین بن عبدالله بن علی بن سینا از فلاسفه بزرگ اسلام و جهان می‌باشد که نام بلندش بر تارک حکمت و معرفت می‌درخشد.

«او را نادره عصر و زمان، اعجوبه دهر، فرید عصر، استاد البشر، العقل

الحادی عشر، حجت الحق شرف الملک، امام الحکماء، شیخ الرئیس،

الحکیم الوزیر و الدستور خوانده‌اند».<sup>1</sup>

ابوعلی سینا که در جهان غرب به اوسینا Avicenna شناخته شده در سال 370 ق در بخارا به دنیا آمد. از 10 سالگی تمام قرآن و صرف و نحو را آموخت و در 16 سالگی در همه علوم زمان خویش استاد شد. جز در مابعد الطبیعه ارسطو که آن هم با یافتن شرح فارابی بر وی معلوم گردید.

بوعلی در طول زندگی پرفراز و نشیب خود با مشکلات زیادی روبرو گردید تا جایی که حتی از طرف بعضی از متکلمان و فقهای قشری زمان خویش به کفر متهم گردید و لذا خود در جواب ایشان چنین سرود:

کفر چو منی گزاف و آسان نبود	محکم‌تر از ایمان من ایمان نبود
دردهر چو من یکی و آن هم کافر؟	پس در همه دهد یک مسلمان نبود

1. محمود مرعشی، ابن سینا، ص 2.

### مذهب ابن سینا

در مذهب ابن سینا اختلاف است ولی آنچه أقرب به صحت می باشد شیعی مذهب بودن وی است چرا که اگر کسی مؤلفات آن حکیم را ملاحظه نماید و امتناع وی را از رفتن به حضور سلطان محمد که سنی متعصب بود و پیوستن او به سلاطین دیالمه که مذهب تشیع داشتند را در نظر بگیری و برخی اشعار وی را ملاحظه کند شیعه بودن او را تصدیق می کند.

« از شیخ الرئیس منقول است که علی بن ابی طالب 7 در میان

خلایق چون معقول است در میان محسوس<sup>1</sup>».

### شخصیت علمی و آثار ابن سینا

در میان فیلسوفان بزرگ اسلام، وی تنها فیلسوفی است که یک نظام فلسفی و استوار و کامل به وجود آورده است. نظامی که علی رغم حملات و اعتراضات غزالی، فخر الدین رازی و دیگران، قرن ها بر میراث فلسفی اسلامی مسلط بوده است. وی سعی کرد افکار فلسفی خود را با اصول اسلامی تطبیق دهد از این رو، تا آنجا که برایش امکان پذیر بود برای نزدیکی کردن فلسفه یونانی به دین اسلام کوشید. بر اثر این کوشش است که فلسفه ابن سینا پخته ترین و کامل ترین بیان فلسفه مشائی در عالم اسلامی به شمار می آید.

ابن سینا در همه علوم زمان خود کتاب یا رساله ای تألیف کرده و شمارش و بحث تمام کتب ایشان، کار آسانی نیست. لکن در اینجا به آنچه در کتاب «دائرة المعارف بزرگ اسلامی» از نوشته های چاپ شده و ترجمه شده به زبان های دیگر اشاره شده است، اکتفا می کنیم:

«1. الشفاء؛ 2. النجاه؛ 3. الاشارات والتنبيهات؛ 4. الإنصاف؛ 5. منطق

1. علامه حسن زاده آملی، شرح اشارات و تنبیهات ابن سینا، ص 24.

المشرفین؛ 6. رسالة اضحویة فی أمر المعاد؛ 7. عیون الحکمه؛ 8.  
تسع رسائل فی الحکمه و الطبیعیات؛ 9. رسائل عرفانی ابن سینا؛  
10. فی معانی کتاب ری طوریقا؛ 11. رساله فی الإکسیر؛ 12. رساله  
فی معرفه النفس الناطقه و أحوالها؛ 13. التعلیقات؛ 14. القانون فی  
الطب؛ 15. النکت والفوائد؛ 16. المبدأ و المعاد؛ 17. دانشنامه  
علائی...»<sup>1</sup>.

## 2- شرح حال اجمالی از علامه سید محمد حسین طباطبائی «ره»

سخن گفتن درباره شخصیت عظیمی مانند مرحوم علامه محمد حسین طباطبائی «ره» که زندگانی او دارای ابعاد مختلف و گوناگونی است آن هم در چند سطر محدود بسیار دشوار است و چه بسا یکی از هزار کمال یار به صفحه نیاید لکن به ناچار نظری کوتاه بر زندگانی آن بزرگوار نموده خوانندگان محترم را با چندی از کرامت شأن آن استاد علامه آشنا می سازی م.

علامه طباطبائی «ره» در روز 29 ذی الحجه سال 1321 هـ ق (مطابق با سال 1281 هـ ش) در آبادی «شادآباد» تبریز در خانه سید محمد قاضی طباطبائی «ره» چشم به جهان گشود و سرانجام پس از حدود 79 سال عمر با برکت این عارف وارسته که مدام از ابدیت سخن می گفت در 18 محرم الحرام سال 1402 هـ ق (مطابق با 26 آبان 1360 هـ ش) در شهر مقدس قم به سرای باقی شتافت و در مسجد بالاسر حرم مطهر حضرت معصومه «س» به خاک سپرده شد.

او انسانی بود که قرآن در روح و قلبش نفوذ کرده و زندگی اش ترسیم اصول اخلاقی این کتاب آسمانی بود. این حکیم والا مقام طریق خداجوی را مسلوک و توسن نفس را با مجاهدت عالی تدبیر نموده و عارفی متشرع بود که در مکاشفات ربّانی و مشاهدات

---

1. ابن سینا - ابن مسیر، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 4 ص 8 - 6.

روحانی آیتی از آیات پروردگار سبحان را به نمایش گذاشت.  
آری، علامه بحر بصیرتی بود که امواج فلسفه و حکمت از آن موج می‌زد، رودخانه  
یقین در سراسر وجودش ساری و جاری بود و با آنکه همنشین خاکیان بود انس  
بی‌شتری با قدسیان داشت.

استاد حسن زاده آملی (از شاگردان برجسته علامه «ره») چنین گفته‌اند که:

«جناب علامه طباطبای «ره» آن غواص بحار معارف است که به  
عمق مطالب عرشی اسرار حکمت متعالیه جناب صدرالمآلهین  
رسیده بود. آن چنانکه خود مجتهد بود و همچنین به کلمات شیخ  
الرئیس، چه منطقی و چه فلسفه و حکمتش»<sup>1</sup>.

آیت الله جوادی آملی یکی دیگر از شاگردان شایسته علامه «ره»، نیز در کتابی به  
عنوان «شمس الوحی تبریزی» که در وصف سیره عملی استادش مرحوم علامه «ره» نگاشته  
است، می‌نویسد:

«حضرت استاد علامه طباطبای «ره» - قدس سره - پیش از آنکه به  
کتابهای حوزوی پردازد، به کتاب نفس خویش پرداخت. او انسان را  
با انسان تفسیر کرد، چون تا کسی انسان را با انسان تفسیر نکند و  
مفسر خویش نباشد، نمی‌تواند مفسر امری‌گری باشد...»<sup>2</sup>.

#### استادان علامه

عالم عابد و فقیه محدث و عارف نامدار مرحوم حاج میرزا علی قاضی طباطبای  
تبریزی (1285 - 1366 هـ.ق) یکی از دانشوران مشهور جهان تشیع است که علامه  
طباطبای در نجف از حضورش بهره‌ها برده است. از جمله دی‌گر استادان علامه می‌توان به  
مرحوم حاج شیخ محمد حسین کمپانی، جناب آقا سید حسن بادکوبه‌ای، حاج میرزا

1. غلامرضا گلی زواره، جرعه‌های جانبخش، ص 152.

2. شمس الوحی تبریزی، آیت الله جوادی آملی، ص 45.



حسین قاضی (پدر علامه)، آیت الله حجت کوه کمری و آیت الله خوانساری اشاره نمود. مرحوم علامه «ره» نزد شیخ محمد حسین اصفهانی یکی دوره اصول و ابوابی از فقه را فرا گرفته است. یکی از شخصیت‌های برجسته‌ای که علامه طباطبای بی به مدت 8 سال در نجف اشرف از محضرش فقه و اصول را آموخت، مرحوم آیت الله نائینی «ره» است و یکی از نشانه‌های که منزلت فقهی آن مفسر عالی مقام را روشن می‌کند این است که از استاد بزرگوارش شیخ محمد حسین نائینی «ره» اجازه روایت و اجتهاد داشته است. علامه طباطبای بی چندین سال متوالی نیز، نزد فقیه عصر، مرحوم آیت الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی در نجف درس خوانده و از حوزه فقهی او بهره‌مند شده است.

### شاگردان

1. شهید مظلوم دکتر بهشتی 2. فیلسوف شهید آیت الله حاج شیخ مرتضی مطهری 3. حضرت آیت الله عبدالله جوادی آملی (حکیم و عارف و مفسر معاصر) 4. آیت الله جعفر سبحانی (محقق و فقیه معاصر) 5. شهید آیت الله علی قدوسی 6. شهید آیت الله دکتر مفتاح 7. آیت الله ابراهیم امینی 8. آیت الله علامه حسن زاده آملی (عالمی ذوفنون که از تربیت یافتگان علامه می‌باشد). 9. علامه سید محمد حسین حسینی تهرانی. 10. آیت الله محمد تقی مصباح یزدی. 11. سید جلال الدین آشتیانی 12. و ...

### آثار

به گفته آقای علامه حسن زاده آملی:

«همه آثار آن جناب علم است و فکر، همه حقیقت است و معرفت همه بحث است و فحص، همه عشق است و عقل، همه قرآن است و حدیث، و و و»<sup>1</sup>.

1. تفسیر عظیم الشأن «المیزان»؛ 2. اصول فلسفه و روش رئالیسم؛ 3. حاشیه بر

1. شناختنامه علامه طباطبای بی «ره» (مجموعه مقالات)، ج 1، ص 95.

أسفار صدر المتألهين؛ 4. مصاحبات با پروفیسور کرین؛ 5. رساله در حکومت اسلام؛ 6. حاشیه بر کفایه؛ 7. رساله در قوه و فعل؛ 8. رساله در إثبات ذات؛ 9. رساله در صفات؛ 10. رساله در أفعال؛ 11. رساله در وسائل؛ 12. الإنسان قبل الدنیا؛ 13. الإنسان فی الدنیا؛ 14. الإنسان بعد الدنیا؛ 15. رساله در نبوت؛ 16. رساله در ولایت؛ 17. رساله در مشتقات؛ 18. رساله در برهان؛ 19. رساله در مغالطه؛ 20. رساله در تحلیـل؛ 21. رساله در ترکیب؛ 22. رساله در اعتبارات؛ 23. رساله در نبوت و منامات؛ 24. منظومه در رسم خط نستعلیق؛ 25. علی و الفلسفه الإلهیه؛ 26. قرآن در اسلام؛ 27. شیعه در اسلام؛ 28. محاکمات بین دو مکاتبات؛ 29. بدایة الحکمه؛ 30. نهاية الحکمه؛ 31. سنن النبی 6؛ 32. تعلیقه بر اصول کافی؛ 33. تعلیقه بر بحار الأنوار.

### 3. معنی و مفهوم واژه «سعادت» و «شقاوت»

در ابتدا لازم دانستیم به معنا و مفهوم واژه سعادت پرداخته تا موضوع مورد بحث در رساله مشخص گردیده، بتوانیم آن چنانکه سزاوار است پیرامون آن مطالبی را عرضه بداریم، و از آنجا که این واژه مترادفاتی دارد بدانها اشارتی نموده، واژه شقاوت را نیز از باب «تُعرف الأشياء بأضدادها» نظری می افکنیم.

#### 3-1. «سعادت» در لغت به سه معنی آمده است؛

الف - خوشبختی و کامیابی

سَعَدَ - بالضم - خلاف شقی<sup>۱</sup>.

سَعَدَ يَسْعُدُ سَعْدًا وَ سَعَادَةً: خوش بخت شدن، نیک بخت گردیدن، نیک

کردن.<sup>۲</sup>

1. احمد بن محمد فیّومی، المصباح المنیر، ص 277.

2. قریب، محمد، فرهنگ لغات قرآن، ص 246.

ب - عون، کمک و یاری

والمساعدة؛ المعاونة على كل أمر يعمله عامل<sup>۱</sup>  
الإسعاد و المساعدة: المعاونة<sup>۲</sup> (کمک کردن، مساعدت کردن)

ج - مبارک و میمون

يومٌ سَعِدٌ و يَوْمٌ نَحْسٌ. السَعُوْدَةُ: خلاف النَّحُوْسَةِ.<sup>۳</sup>  
السَّعْدُ: نَقِيضُ النَّحْسِ فِي الْأَشْيَاءِ، يَوْمٌ سَعِدٌ و يَوْمٌ نَحْسٌ.<sup>۴</sup>

2-3. «شقاوت» در لغت به دو معنی آمده است؛

الف - بدبختی، تیره بختی

شقی یشقی شقاء: ضدّ سعد، فهو شقی، أشقاه الله (خداوند او را بدبخت کرد).<sup>۵</sup>  
الشقوه: خلاف السعادة. رجل شقی.<sup>۶</sup>

ب - رنج، مشقت

شقو: اصل يدل على المعاناة و خلاف السهولة و السعادة.<sup>۷</sup>

واژه‌های قریب با «سعادت»:

بعد از آنکه واژه «سعادت» از منابع لغوی استخراج گردید مناسب دانستی‌م به طور  
اجمال به واژگان قریب آن نیز به جهت لطافت و ویژگی‌هایی که در هر کدام یافت می-

1. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج 1، ص 322.

2. سید مرتضی زبیدی، تاج العروس، ج 8، ص 193.

3. همان، صص 1 - 2.

4. العین، ج 1، ص 321.

5. المصباح المنیر، ص 319.

6. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج 3، ص 203.

7. همان، ص 202.

شود، اشاره نمایی م.

### الف - «فلاح»

واژه «فلاح» به معنای رستگاری، رستن از گرفتاری، رهایی از رنج و موانع، و رسیدن به هدف و مطلوب آمده است.

می توان گفت در مفهوم «فلاح» یک نکته نهفته است و آن این که انسان پیوسته در زندگی خود گرفتار است و یا موانعی او را از رسیدن به هدفش باز می دارد و وقتی این موانع را کنار بزند و به مطلوب خود برسد، می گویند: رست؛ یعنی رها شد. پس رستگاری یعنی خلاص شدن از گرفتاری، و این مفهوم ملازم با سعادت است؛ زیرا هنگامی که انسان با چیزی ناملائی م و ناخوشایندی برخورد ندارد، خوشبخت خواهد بود. پس می توان نتیجه گرفت، که بین فلاح و سعادت، رابطه است، یعنی کسی که از موانع و گرفتاری رها شد به فلاح می رسد و از طرفی کسی که موانع و گرفتاری ندارد سعادت مند است. این مطلب را می توان از تفسیر المیزان نیز استفاده نمود، آنجا که علامه «ره» در ذیل آیه 10 سوره جمعه می فرماید:

*«فلاح همان سعادت است، و برای خاطر عنایتی از سعادت به فلاح تعبیر می کند، و آن عنایت ای نیست که لازمه سعادت، ظفر یافتن و رسیدن به آرزوها با شکافتن و دریدن حجابهای است که حائل بین آدمی و بین آن است»<sup>1</sup>.*

### ب - فوز

«فوز» در لغت به معنای نجات، رستگاری، پیروزی، کامیابی به مطلوب رسیدن و به مطلبی دست یافتن آمده است.

---

1. «إن الفلاح هو السعادة سمیت به لأن فیها الظفر و إدراك البغیة بشق الموانع الحائله دون المطلوب». محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج 7، ص 46.

علامه طباطبائی «ره» در المیزان می‌گوید:

«کلمه «فوز» به معنای ظفر یافتن به مقصود است و اگر بهشت را پیروزی و ظفری عظیم خوانده، بدین جهت است که آخرین سعادتی است که آدمی بدان نائل می‌شود».<sup>1</sup>

بنابراین بین مفهوم فوز و سعادت ارتباط وجود دارد؛ زیرا به خوبی روشن است که هرگاه انسان با تلاش و کوشش به فوز و پیروزی و نجات دست یابد حتماً به سعادت رسیده است.

### ج - لذت

منابع لغت معانی‌ای همچون گوارای، درک خوشی‌ها، خوشی و به مزاق خوشمزه آمدن را برای لذت، ذکر نموده‌اند.

شهید مطهری دربارهٔ ارتباط بین لذت و سعادت چنین می‌گوید:

«بدی‌هی است که میان سعادت و لذت و هم میان شقاوت و رنج ارتباط کامل برقرار است، در جایی که سعادت است، لذت و خوشی هم هست و آنجا که شقاوت است، رنج و ناراحتی هم هست».<sup>2</sup>

آیت الله مصباح یزدی در این مورد می‌گوید:

«در توضیح مفهوم سعادت، می‌توان گفت: سعادت و لذت خیلی‌لی به هم نزدیکی هستند و عمده تفاوت آن دو در این است که لذت در موارد لحظه‌ای و کوتاه مدت نیز به کار می‌رود، ولی سعادت صرفاً در موارد لذت‌های پای‌مداری نسبتاً پای‌مدار کاربرد دارد».<sup>3</sup>

بنابراین تردیدی نیست که مفهوم سعادت و لذت خوی‌شاوندی نزدیکی دارند، و

1. «الفوز هو الظفر بالمراد و كونه فوزاً عظیماً لكونه آخر ما یسعد به الإنسان». المیزان، ج 18، ص 151.

2. مجموعه آثار شهید مرتضی مطهری، ج 7، ص 55.

3. محمد تقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، ج 1، ص 29.

موردی برای صدق مفهوم سعادت نمی توان یافت که در آن، مفهوم لذت بالقوه صادق نباشد، ولی چنان نیست که در همه موارد لذت بتوان کلمه سعادت را به کار برد.

#### د- رضایت

رضایت به معنی خشنودی و مناسب با طبع، آمده است. با توجه به معنای رضایت چنین می توان گفت که هر آنکس به کمال سعادت برسد به کمال رضایت رسیده است لکن باید به این نکته توجه داشت که عکس این قضیه صادق نیست یعنی چنین نیست که هر آنکس که از وضعی موجود رضایت دارد، پس به سعادت لایق خود رسیده است.

و دلیل آن کلامی است که استاد شهید مرتضی مطهری «ره» فرموده اند:

«بعضی چنین تصور کرده اند که سعادت عبارتست از این که انسان دارای اوضاع و احوالی شود که از آن چه دارد کمال رضایت و خشنودی داشته باشد، کمال سعادت، کمال رضایت است. در عین حال تفسیر سعادت به رضایت صحیح نیست؛ زیرا این ای راد وارد است که: رضایت نیز مانند آرزو با سطح فکر و فهم و درک و اراده و همت بستگی دارد. انسان گاهی از آن جهت چیزی را متهای آرزوی خود قرار نمی دهد و از رسیدن به آن کمال رضایت حاصل نمی کند که همت بلند ندارد و یا سطح فکرش پایین است»<sup>1</sup>.

#### و- بهجت

اگر به منابع لغت مراجعه کنیم می بینیم که این معانی را برای واژه «بهجت» بیان

---

1. شهید مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج 7، ص 61.

کرده‌اند: شادی، خرمی، شکوه، جلوه، زیبای‌ی، شادمانی، سرور و خوش منظر.<sup>1</sup> لذا این واژه معنای‌ی نزدیکی با معنی و مفهوم سعادت دارد؛ زیرا در معنای سعادت هم شادی و خرمی نهفته است. بدین جهت می‌توان گفت کسی که به سعادت رسیده قطعاً به شادی و خرمی و سرور نیز رسیده است و کسی هم که دارای سرور و خرمی و شادی باشد به سعادت نائل آمده است.

#### 4- معرفت و رابطه آن با «سعادت»

برای انسان به عنوان ی‌ک موجود آگاه که فعالیت‌هایش از آگاهی، نشأت می‌گیرد ی‌ک سلسله مسائل بنیادی، مانند چیستی سعادت و راه رسیدن به آن مطرح است که تغافل و شانه خالی کردن از تلاش برای ی‌افتن پاسخ‌های صحیح آنها او را از مرز انسانیت خارج کرده و به چارپایان، ملحق می‌سازد و باقی ماندن در حال شک و دودلی علاوه بر این‌که وجدان حقیقت جویش را خرسند نمی‌کند وی را موجودی ایستا و بی‌تحرک و احیاناً خطرناک به بار می‌آورد.

اما پیرامون این مطلب در نخستین گام با این سؤال مواجه می‌شویم که آیا عقل بشر توان حل این مسائل را دارد؟ این پرسش، هسته مرکزی مسائل معرفت شناسی (اپسی‌تمولوژی) را تشکیل می‌دهد.

در پاسخ به این پرسش در طول تاریخ به جواب‌های متفاوتی برمی‌خوریم که در این‌جا به چند مورد اشاره می‌شود؛ برخی مانند «الثنائیان»، بهای زیبادی به ادراکات عقلی داده و ادراکات حسی را قابل اعتماد ندانستند. در مقابل سوفیست‌ها با دیدن اختلافات دانشمندان در مسائل عقلی و استدلال‌ات متناقض آنها ارزش ادراکات عقل را انکار کرده و اساساً واقعیت خارجی را مورد شک و انکار قرار دادند.

عده‌ای مانند بارکلی و هیوم تنها به امکان شناخت محسوسات مادی، اکتفا نموده و

مکتب تجربه گرای بی را بنیان نهادند.

لکن بر خلاف نوسانات و بحران‌های بی که برای فلاسفه غربی به ویژه در زمی‌نه معرفت‌شناسی پیش آمده و هنوز هم ادامه دارد فلاسفه اسلامی همواره از موضع نیرومند و استواری برخوردار بوده و با اینکه کمابیش گرایش‌های مخالفی در کنار آن به وجود آمده ولی پیوسته موضع قاطع ایشان مبنی بر اصالت عقل در مسائل متافیزیکی کاملاً محفوظ بوده و بدون اینکه از ارج تجارب حسّی بکاهند بر استفاده از متد تعقلی در حل مسائل فلسفی تأکید داشته‌اند. بنابراین اگر ذهن انسانی به پاره‌ای از شبهات و توهمات محفوظ نگردیده باشد امکان وقوع علم برای وی امری غیر قابل تردید و انکار خواهد بود، بلکه آنچه جای بحث و بررسی دارد و اختلافات درباره آن معقول است تعین قلمرو علم انسان و تشخیص ابزار دستیابی به علم یقین و راه بازشناسی اندیشه‌های درست از نادرست و مانند آنهاست که علم «معرفت‌شناسی» با توجه به تعریف آیت‌الله مصباح‌یزدی از آن «علمی است که درباره شناخت‌های انسان و ارزشیابی انواع، و تعین ملاک صحت و خطای آنها بحث می‌کند»<sup>1</sup>. - بخشی از این وظیفه را تکفل می‌نماید.

## 5- رابطه سعادت و جهان بینی

یکی دیگر از مسائل مهمی که رابطه‌ای بس تنگاتنگ با مقوله سعادت دارد، مسأله «جهان بینی» است. اینکه انسانی چگونه به جهان پیرامون خود بنگرد و چه هدف و مقصودی را در آن جستجو کند می‌تواند تأثیر بسزایی در نوع برداشت وی از سعادت و خوشبختی داشته باشد.

اما اینکه «جهان بینی» یعنی چه و از کدامین موضوعات بحث می‌کند، شهید مرتضی مطهری در این باره می‌فرماید:

**«جهان بینی یعنی نوع برداشت، تفسیر و نوع تحلیلی که یک**

---

1. استاد محمد تقی مصباح‌یزدی، آموزش فلسفه، ج 1، ص 153.



انسان درباره هستی و جهان و درباره انسان و جامعه و تاریخ دارد ...  
جهان بینی به ما خبر می دهد از اینکه چه هست، چه نیست، چه  
قانونی بر جهان و انسان حاکم است و ...<sup>1</sup>

آیت الله مصباح یزدی نیز در این رابطه می گوید:

«مسائل بنیادی جهان بینی همان پرسشهای سه گانه ای است که  
وجدان بیدار و فطرت آگاه انسان پاسخهای قطعی و قانع کننده ای  
برای آنها می جوید و بی جهت نیست که دانشمندان اسلامی آنها را  
«اصول دین» نامیده اند؛ خداشناسی در پاسخ «آغاز کدام است؟»  
معاد شناسی در پاسخ «انجام کدام است؟» و وحی و نبوت شناسی در  
پاسخ «راه کدام است و راهنما کیست؟»<sup>2</sup>

وقتی تعریف و چیستی جهان بینی روشن گردید به این نتیجه می رسیم که  
ایدئولوژی (مکتب) - بایدها و نبایدها را مشخص کرده و به ما می گوید که چگونه باید  
بود، چگونه باید زیست، چگونه باید شد و ... - هر انسان و یا جامعه مرهون نوع جهان-  
بینی وی می باشد چرا که اگر از شخصی که به یک ایدئولوژی معتقد است بپرسی که  
چرا تو به این ایدئولوژی پیوستی و به آن دیگری خیری؟! می بینی فوراً مسأله دیگری  
را مطرح می کند و آن مسأله جهان بینی است.

بنابر آنچه گذشت بدین نتیجه می رسیم که «سعادت» و راه رسیدن به آن که بخش  
مهم و اساسی از امور مربوط به ایدئولوژی را به خود اختصاص می دهد رابطه ای بس عمیق  
با «جهان بینی» دارد، لذا شخصی که به عنوان مثال زندگی و حیات را تنها در این دنیای  
مادی محصور دانسته و لذات را منحصر در لذات حسی و وهمی می داند، سعادت و مسیر  
دستیابی به آن را به گونه ای و فردی که به زندگی ای فراتر از دنیای محسوسات نظر می-

1. شهید مرتضی مطهری «ره»، مسأله شناخت، ص 13.

2. استاد محمد تقی مصباح یزدی، آموزش فلسفه، ص 134.

افکند و عشق رسیدن به آن را در سر دارد سعادت و سیر و سلوک در مسیر آن را با دی‌ده‌ای تیزی‌ن و عاقلانه‌تر تفسیر می‌کند.

حاصل آنکه انسان حقیقی کسی است که عقل خود را در راه مهم‌ترین مسائل سرنوشت‌ساز به کارگیری و بر اساس آنها راه کلی زیستن را بشناسد و سپس با جدیت به پی‌موردن آن بپردازد. و باید دانست که بدون بهره‌گیری از دستاوردهای صحیح و عاقلانه از جهان و چیستی و چگونگی آن نه سعادت فردی مسیر است و نه سعادت اجتماعی و نه رسیدن به کمال حقیقی انسانی.

### 6- «سعادت» و حقیقت انسان

اگرچه برخی از اقوام جاهل و کم‌خرد، به انسان به عنوان موجودی پست‌تر از سایر حیوانات می‌نگریستند، برخی دیگر او را هم سطح حیوانات و عده‌ای نیز با اینکه به همین جنبه طبیعی و مادی وی نظر داشتند او را حیوانی تکامل یافته‌تر از موجودات دی‌گری می‌پنداشتند.

لکن با گذشت زمان معلوم شد که این موجود دوپا قدر و منزلتی بس عظیم‌تر از آنچه که قابل درک باشد، در میان موجودات دارد.

انسان یکی سلسله تفاوت‌ها با هم جنسان خود دارد که او را از جانداران دی‌گر متمایز ساخته و به او مزیت و تعالی بخشیده و او را بی‌رقیب ساخته است. تفاوت عمده و اساسی انسان با دی‌گر جانداران که ملاک «انسانیت» او است و منشأ چی‌زی به نام تمدن و فرهنگ انسانی گردیده است در دو ناحیه است؛ بینش‌ها و گرایش‌ها. جانداران عموماً از این مزیت بهره‌مندند که خود را و جهان خارج را درک می‌کنند و بدانها آگاهند و در پرتو آن آگاهی‌ها و شناخت‌ها برای رسیدن به خواسته‌ها و مطلوب‌های خود تلاش می‌نمایند. انسان نیز مانند جانداران دی‌گری یک سلسله خواسته‌ها و مطلوب‌ها دارد و در پرتو آگاهی‌ها و شناخت‌های خویش برای رسیدن به آن خواسته‌ها و مطلوب‌ها در تلاش است تفاوتش با

سایر جانداران در شعاع و وسعت و گستردگی آگاهی‌ها و شناخت‌ها و از نظر تعالی سطح خواسته‌ها و مطلوب‌هاست.

مرحوم استاد شهید مرتضی مطهری «ره» در کتاب انسان و ایمان به جنبه‌ای از ملاک امتیاز انسان اشاره نموده، می‌فرماید:

«بیش وسیع و گسترده انسان درباره جهان، محصول کوشش جمعی بشر است که در طی قرون و اعصار روی هم انباشته شده و تکامل یافته است. این بیش که تحت ضوابط و قواعد و منطق خاص درآمده نام «علم» یافته است. علم به معنی اعم یعنی مجموع تفکرات بشری درباره جهان که شامل فلسفه هم می‌شود محصول کوشش جمعی بشر است که نظم خاص منطقی یافته است. گرایش‌های معنوی و والای بشر، زاده ایمان و اعتقاد و دلبستگی‌های او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق، هم ماورای فردی است و عام و شامل است و هم ماورای مادی است، یعنی از نوع نفع و سود نیست اینگونه ایمان‌ها و دلبستگی‌ها، به نوبه خود مولود برخی جهان‌بینی‌ها و جهان‌شناسی‌ها است که یا از طرف پیامبران الهی به بشر عرضه شده است و یا برخی فلاسفه خواسته‌اند نوعی تفکر عرضه نمایند که ایمان‌زا و آرمان‌خیز بوده باشد. به هر حال گرایش‌های والا و معنوی و فوق‌حیوانی انسان آنگاه که پایه و زیربنای اعتقادی و فکری پیدا کند نام «ایمان» به خود می‌گیرد. پس نتیجه می‌گیری که تفاوت عمده و اساسی انسان با جانداران دی‌گر که ملاک «انسانیت» اوست و انسانیت وابسته به آن است، علم و ایمان است»<sup>1</sup>.

1. شهید مرتضی مطهری «ره»، انسان و ایمان، صص 12 - 11.

در اینجا با توجه به ظرفیت نوشتار به همین مقدار از مقدمه در تفاوت انسان با سایر جانداران اکتفا نموده، چنین می‌گوییم:

آنچه مبرهن است اینست که انسانی از حیث بدن مادی و جسمانی تفاوت چندانی با دیگر حیوانات که موجب افتخار و برتری جویی وی باشد، نداشته بلکه در بعضی جهات حتی ضعیف‌تر و ناتوان‌تر است و لکن آنچه که موجب فضیلت اوست واقعیت و حقیقتی و رای این بدن ظاهری است که آن همان «نفس ناطقه» است. نفسی که سلطنت بر تمامی قوای جسمانی را در دست داشته و از آنها به عنوان وسیله‌ای برای تعالی خود بهره می‌برد. بنابراین آنکه حقیقت خود را در همین بدن ظاهری و فانی بیابد طبیعتاً سعادت را در خور خود که همان رسیدن به لذات شکم و فرج و مال و مقام باشد، طلب کرده مسیری را برمی‌گزیند که وی را در رسیدن به این لذات بیشتر متمسک نماید و این همان طریقی است که سایر حیوانات در پی آن از دی‌گری سبقت می‌جویند و ناگفته نماند که این گروه نیز گرچه به چیزی به نام روح یا نفس عقیده دارند لکن مقامی بیشتر از یک قوه ادراکی برای کسی قائل نبوده حتی آن را متعهد و محکوم بدن به حساب می‌آورند.

در مقابل اگر شخصی ذات و واقعیت خویش را در چیزی فراتر و بالاتر از این جسم ضعیف و مادی یافته به کمالات، فضائل و قدرت بقاء و ابدیت آن «حقیقت نفس» نظر کند این بهجت و سرور و سعادت زودگذر دنیای فانی را در مقابل سعادت و بهجت و سروری ماندگار و جاوید ناچیز می‌شمرد و لذاست که به حیات عالم ماده تعلقی نیافته و بدان دلخوش نمی‌دارد و اگر هم از آنها بهره‌ای برد به عنوان ابزاری است برای دستیابی به مقصد نهایی یعنی کمال لایق انسانی.

حاصل آنکه بسیار سزاوار می‌نماید که انسانی در شناخت حقیقت انسانی‌اش نیکی‌نگری‌سته و به فهم آن فائق آید تا مسیری را برای زندگی و معاش خود برگزیند که وی را به سعادت دنیوی و اخروی رسانده به کمال مقصودش رهنمون سازد.

ای نجاست که کلام مولایمان امیرالمؤمنین علی 7 تداعی می شود که؛ «معرفة النفس أنفع المعارف؛ شناسایی نفس سودمندترین معرفت‌ها است.<sup>1</sup> و اگر می‌بینیم در قرآن کریم بعضی آیات به مدح و ثنای انسانی پرداخته برخی دی‌گر در مذمت و نکوهش وی داد سخن رانده‌اند به خاطر اینست که در هر کدام از آیات جهتی از جهات انسان در نظر گرفته شده و در مدح و یا مذمت آن بیانی وارد شده است. امید است که ما در اجابت آی ه شریفه؛

[ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ]<sup>2</sup>

ای آنانکه ایمان آورده‌اید بر شما باد خود شما، زیان نرساند شما را آنکه گمراه شده است اگر هدایت یافته‌اید به سوی خداست بازگشت شما همگی، پس آگاهی‌تان دهد بدانچه می کردید. سخت بکوشیم تا روزی بر کوتاهی در عمل به آن انگشت حسرت به دندان نگزیم.

---

1. غرر الحکم، ج 2، ص 768.

2. مائده / 105.